

Integrated Report on the Components of Corporate Evaluation¹

Hassan Abolfatti², Norouz Nourollahzadeh³, Seyedeh Mahboubeh Jafari⁴,
Negar Khosravi Pour⁵

Received: 2021/07/08

Accepted: 2021/12/06

Research Paper

Abstract

Comprehensive Report, International Reporting Framework Published by the Integrated International Reporting Council. The framework, which is non-compulsory, states that “the main purpose of an integrated report is to explain to financial capital investors how an organization creates value over time. Economic value added and cash value added are the basic principles for shaping capital market judgment, and market value added, which is an indicator of wealth creation for the shareholder class, is influenced by judgments about economic value added and cash value added. The effect of integrated reporting on the components of value creation of companies is extracted from the data of companies listed on the Tehran Stock Exchange and OTC for a period of 7 years between 2012 and 2018 for 120 companies and from the data regression model. A combination was used to test the hypotheses. Integrated thinking is a tool that, by integrating all of these factors, makes it possible to create value. With this type of thinking, the organization may clearly describe how to create value in an integrated report How Include all factors affecting the organization's ability to create value.

Key Words: Integrated Reporting, Value Creation Components.

1. DOI: 10.22034/JSE.2020.11426.1585

2. Department of Accounting, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran. (h.abolfathy1391@yahoo.com).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (nour547@yahoo.com).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (jafari.mahboobeh@gmail.com.)

5. Assistant Professor, Center Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (N_khosravipour@yahoo.com).



سازمان بورس و اوراق بهادار، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۰، صص ۷۴-۴۱

تأثیر گزارشگری یکپارچه بر مولفه های ارزش آفرینی شرکت ها^۱

حسن ابوالفتحی^۲، نوروز نوراله زاده^۳، سیده محبوبه جعفری^۴، نگار خسروی پور^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

گزارش جامع چارچوب گزارشگری بین المللی که توسط شورای گزارشگری یکپارچه بین المللی^۶ منتشر شد. چارچوب، که غیراجباری است، بیان می کند که «هدف اصلی گزارش یکپارچه، این است که به سرمایه گذاران مالی سرمایه توضیح دهد که چگونه یک سازمان در طول زمان ارزش ایجاد می کند». از لحاظ تئوری ارزش آفرینی واحدهای تجاری که مناسب ترین مقیاس اندازه گیری آن شاخص های ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده نقدی است از مبانی اساسی برای شکل دهی قضاوت بازار سرمایه است و ارزش افزوده بازار که شاخص ثروت آفرینی برای طبقه سهامدار است تحت تأثیر قضاوت نسبت به ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده نقدی است. برای بررسی میزان تأثیرگذاری گزارشگری یکپارچه بر مولفه های ارزش آفرینی شرکت ها، از داده های مربوط به شرکت های پذیرفته شده در بورس و فرا بورس تهران برای دوره زمانی ۷ ساله میان سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ برای ۱۲۰ شرکت استخراج و از الگوی رگرسیونی داده های ترکیبی برای آزمون فرضیه ها استفاده شد. تفکر یکپارچه، ابزاری است که با یکپارچه سازی تمامی این عوامل، امکان ارزش آفرینی را فراهم می کند. با این نوع تفکر، سازمان ممکن است چگونگی ایجاد ارزش را به شکلی واضح در گزارشی یکپارچه توصیف کند. بهبود گزارشگری به نحوی که تمام عوامل اثر بخش بر توانایی ارزش آفرینی سازمان را دربر گیرد.

واژه های کلیدی: گزارشگری یکپارچه، مولفه های ارزش آفرینی، معادلات ساختاری.

DOI: 10.22034/JSE.2020.11426.1585

۲. گروه حسابداری، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. (h.aboalfathy1391@yahoo.com).

۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول). (nour547@yahoo.com).

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (jafari.mahboobeh@gmail.com).

۵. استادیار، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (N_khosravipour@yahoo.com).

6. The International Integrated Reporting Council (IIRC)

مقدمه

با گسترش روزافزون نیازهای اطلاعاتی در خصوص عملیات واحدهای تجاری، به نظر می‌رسد که ارائه صورت‌های مالی به شکل سنتی نمی‌تواند پاسخگوی تمام نیازهای استفاده‌کنندگان باشد. در این راستا، مبحث نوینی در سطح جهانی با عنوان گزارشگری مالی یکپارچه، مطرح شده است که هدف اصلی آن همسانی طبقه‌بندیها در اجزای مختلف صورتهای مالی و کمک به استفاده‌کنندگان در خصوص شناخت تأثیر هر دارایی و بدهی و تغییرهای آنها در هریک از صورت‌های مالی و آن هم به صورت همزمان است. کنسول بین‌المللی گزارش‌دهی یکپارچه، گزارش‌دهی یکپارچه را به عنوان یک راهکار گزارش‌دهی کلی تر توصیف می‌کند که تمرکز گزارش‌دهی مالی سنتی را از گزارش‌های مالی به یک دیدگاه جامع تر گسترش می‌دهد و شامل ملاحظات مالی، غیرمالی و پایداری مرتبط با تجارت می‌شود (2-5 : IIRC , 2013). حرکت به سوی یک روند گزارش‌دهی پیچیده و کلی تر نیز به تقاضای فزاینده تضمین / اطمینان منجر می‌شود که بر اطمینان تلفیقی (منظور اطمینانی است که به واسطه دو طرف خارجی و داخلی سازمان برای انتقال اطلاعات به کار می‌رود) و بر اطمینان بخشی تنوع بزرگتری از جنبه‌ها تمرکز دارد، مانند اجرای پایداری و غیرمالی گنجانده شده در گزارش‌های یکپارچه جدید. از آنجا که گزارش‌دهی یکپارچه یک روند کمابیش جدید با تقاضاهای اطمینان فزاینده به واسطه اطمینان تلفیقی است، نقش و تاثیر بر فراهم آوردن دگان اطمینان دخیل در اطمینان تلفیقی باید وفق و توسعه داده شود تا در کنار تقاضای در حال تحول گزارش‌دهی یکپارچه باقی بماند.

گزارش جامع، چارچوب گزارشگری بین‌المللی است که توسط شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی^۱ منتشر شد. چارچوب، که غیراجباری است، بیان می‌کند که هدف اصلی گزارش یکپارچه این است که به سرمایه‌گذاران مالی سرمایه توضیح دهد که چگونه یک سازمان در طول زمان ارزش ایجاد می‌کند. مفهوم اساسی در چارچوب گزارشگری یکپارچه مدل سرمایه داری است که ایده‌ای درباره منابع و روابط مورد استفاده را فراهم می‌کند (اسلاکا و همکاران^۲، ۲۰۱۸).

گزارش یکپارچه تبدیل به یک منطقه پژوهشی شده است. در واقع، سرمایه‌گذاران با توجه به مفید بودن گزارش یکپارچه، دست به تصمیم می‌گیرند. گزارش‌ها، کمابیش کمی در مورد اینکه آیا ذینفعان در واقع از گزارش‌ها برای اطلاعات به تصمیم‌گیری خود استفاده می‌کنند،

1. The International Integrated Reporting Council (IIRC)

2. Eslaka and et al

توضیح می‌دهند. به همین ترتیب، خواستار پژوهش برای بررسی «استفاده و درک سودمندی گزارش‌های یکپارچه توسط ارائه دهندگان سرمایه» (روبوتام و لاک^۱، ۲۰۱۶).

سال‌های زیادی است که گزارشگری شرکت‌ها مورد انتقاد است. استاندارد‌گذاران همواره در تلاشند تا با افزایش استانداردها و مقررات، کیفیت گزارشگری را بهبود بخشند، اما تاکنون در این دنیای در حال تغییر به طور کامل موفق نبوده‌اند. یکی از دلایل اصلی موفق نشدن آنان، تنظیم جنبه‌های مختلف گزارشگری شرکت‌ها (گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری) به وسیله استاندارد‌گذاران مختلف و نبود هماهنگی کلی برای نحوه ارائه گزارش است (مرشدزاده و قربانی، ۱۳۹۶). هدف اصلی هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی است که باید در تهیه صورت‌های مالی اعمال شود. همچنین دستیابی به میزانی از قابلیت مقایسه نیز از اهداف استانداردهای بین‌المللی است که به سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های هر دو آنان کمک کند (استفانو و همکاران^۲، ۲۰۱۰). تغییرات مستمر در تجارت جهانی، شرایطی رقابتی را برای شرکت‌ها ایجاد کرده است. این شرایط به همراه تغییر در قوانین و مقررات در برخورد با بحران، شرکت‌ها را در چالش بزرگی قرار داده است. در نتیجه برای برطرف کردن این بحران، گزارشگری سنتی با چالشی روبرو است که توان پاسخ گفتن به آن را ندارد. در نتیجه در سال‌های اخیر تحولی در گزارشگری غیرمالی ایجاد شده است که تا حد زیادی در مسیر برطرف کردن نیازهای اطلاعاتی ذینفعان است. گزارشگری یکپارچه در نتیجه همین تحول ایجاد شده است (بابادی، ۱۳۹۶).

نقش و تاثیر اطلاعات حسابداری در رابطه با گرفتن تصمیم‌های حسابداری، آن چنان گسترده و وسیع است که می‌توان ادعا کرد در دنیای کنونی و رقابت جهانی، تداوم فعالیت واحد اقتصادی بدون در دست داشتن اطلاعات مربوط، جامع و کافی در رابطه با سرمایه‌گذاری و کسب بازده مورد انتظار غیر ممکن است و آن دسته از واحدهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری موفق هستند که به اطلاعات به موقع و بیشتری دسترسی داشته باشند. اطلاعات در صورتی سودمند است که به تغییر در باورها و کنش‌های سرمایه‌گذاران بیانجامد و علاوه بر آن بتوان میزان سودمندی اطلاعات را طبق میزان تغییرات در قیمت‌ها پس از انتشار اطلاعات اندازه‌گیری کرد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۳).

1. Robotam and Lak
2. Estefano and et al

اجرای قوانین و مقررات ممکن است پیامدهای مساعد و نامساعدی را برای اقتصاد و جامعه به همراه داشته باشد. زف^۱ (۱۹۷۸) پیامدهای اقتصادی را به عنوان «اثرات مالی و اقتصادی گزارش های مالی بر رفتار تصمیم گیری واحد تجاری، دولت، اتحادیه ها، سرمایه گذاران و اعتباردهندگان و سایر اشخاص ذی حق، ذی نفع و ذی علاقه» تعریف می کند. جوهره این تعریف آن است که گزارش های حسابداری و مالی میتواند بر تصمیمات واقعی مدیران و سایر اشخاص طرف قرارداد شرکت و همچنین ارزش شرکت اثرگذار باشد. اطلاعات مالی می تواند بر میزان ریسک شرکت و نسبت تشکیل سرمایه در اقتصاد اثرگذار باشد و منتج به سهم بندی مجدد ثروت میان مصرف کنندگان و سرمایه گذاری در اقتصاد شود. اطلاعات مالی همچنین می تواند بر توزیع ثروت میان سرمایه گذاران مختلف اثرگذار باشد (نیکومرام و بنی مهد، ۱۳۸۸).

IIRC (۲۰۱۳) گزارش دهی یکپارچه (من بعد با اختصار <IR>) را به عنوان یک «روند پایه ریزی شده بر تفکر یکپارچه تعریف می کند که به گزارش یکپارچه دوره ای توسط سازمان درباره ارزش آفرینی شرکت طی زمان و مکاتبات مربوط به جنبه های ارزش آفرینی نتیجه می دهد». یک گزارش یکپارچه یک مکاتبه مختصر درباره چگونگی راهبرد، حاکمیت، عملکرد و چشم اندازهای یک سازمان در زمینه محیط خارجی آن است که به ارزش آفرینی در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت کشیده می شود.

به نظر می رسد که الگوی گزارش دهی سنتی نمی تواند استنباط های اقتصادی نوآوری های تجاری و تغییرات اقتصادی را به موقع بدست آورد و همچنین گزارش های سالانه بی نظم تر، پیچیده تر و بی ربط تر به سهام داران ارائه می شود. با اینکه شرکت ها اطلاعات غیر مالی بیشتری را فراهم می آورند (مانند گزارشهای پایداری و گزارشهای مسئولیت اجتماعی شرکتی)، گویا شرکت ها اطلاعات مالی و غیر مالی را به صورت یکپارچه و منسجمی تهیه نمی کنند که درک سهامداران شرکت را تقویت کند. گزارش دهی یکپارچه بتازگی در میان پژوهشگران و سیاستگذاران در سراسر جهان توجه زیادی را به خود جلب کرده است. در سال ۲۰۱۰، حسابداری طرح چارلز پرنس ولز برای طرح پایداری و گزارشگری جهانی، با ایجاد شورای بین المللی گزارشگری یکپارچه^۲، به منظور ایجاد یک چارچوب گزارشگری پذیرفته در سطح

1. Zeff

2. International Integrated Reporting Council, IIRC

جهان که ادغام مالی، محیط زیست، اجتماعی و حکمرانی اطلاعات در یک قالب روشن، مختصر، سازگار و قابل مقایسه است. گزارش یکپارچه، یک مکاتبه مختصر در این باره است که چگونه راهبرد، حاکمیت، عملکرد و چشم اندازهای یک سازمان، در زمینه محیط خارجی آن، به ارزش آفرینی در طول کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت منتهی می شود. یکی از اهداف چارچوب، برقراری و استواری اصول راهنما و عناصر محتوایی است که محتوای کلی یک گزارش یکپارچه^۱ را کنترل می کند و مفاهیم بنیادی که این موارد را تایید و حمایت می کند را توضیح می دهد و این چارچوب از ریشه در زمینه بخش خصوصی برای شرکت های انتفاعی از هر اندازه نگارش می شود، اما می تواند توسط بخش دولتی و سازمان های غیر انتفاعی در صورت لزوم گرفته و به کار برده شود. با توجه به چارچوب، هدف اصلی گزارش دهی یکپارچه این است که به تهیه کنندگان سرمایه مالی توضیح دهد چگونه سازمان طی زمان ارزش آفرینی می کند. بنابراین شامل اطلاعات مربوطه، مهم مالی و همینطور دیگر موارد است. یک گزارش یکپارچه به همه سهام داران علاقه مند به توانایی سازمان برای ارزش آفرینی طی زمان منفعت می رساند که شامل کارکنان، مشتریان، تهیه کنندگان، شرکای تجاری، جوامع محلی، قانون گذاران، تنظیم کنندگان و سیاست گذاران و چارچوبی مبتنی بر اصول است. هدف روش مبنی بر اصول تلاش برای برقراری تعادلی مناسب میان انعطاف پذیری و دستورالعمل است که تعیین کننده اختلاف گسترده در شرایط منفرد سازمان های مختلف است و در عین حال میزان مقایسه پذیری کافی را در میان سازمان ها برقرار می کند تا نیازهای اطلاعاتی مرتبط را برآورده سازند. یک گزارش یکپارچه، همواره چیزی بیش از خلاصه اطلاعات در مکاتبات دیگر (مانند: اظهارات مالی، یک گزارش پایدار، فراخوان های تحلیل گر، یا در وب سایت) است، در عوض ارتباط اطلاعاتی را آشکار می سازد تا اطلاع دهد که چگونه ارزش آفرینی طی زمان ایجاد می شود. یک گزارش یکپارچه می تواند در پاسخ به الزامات و شرایط پیروی موجود تهیه شود. برای نمونه، سازمان را به واسطه قانون محلی ناگزیر می کند تا یک تفسیر مدیریت یا گزارش دیگری را تهیه کند که زمینه را برای اظهارات مالی آن فراهم آورد.

امید است این پژوهش بتواند اطلاعات سودمندی را در اختیار تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، مسئولان سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایر ذینفعان قرار دهد و موجبات رشد

1. Integrated Reporting, IR

و توسعه پژوهش و مبانی نظری در این حوزه را فراهم آورد. ساختار کلی پژوهش بدین صورت است که ابتدا سعی شده تا منطبق با توضیحاتی که در قسمت مقدمه پژوهش ارائه شده، یک درک صحیح از گزارشگری یکپارچه و ارتباط آن با مولفه‌های ارزش آفرینی شرکت حاصل شود. سپس به گام‌های عملی اجرای این پژوهش و روش جمع آوری داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شده و در نهایت به تجزیه و تحلیل یافته‌ها، ارائه نتایج و ارائه پیشنهادها کاربردی و پژوهش‌های آینده پرداخته شده است. لازم به یادآوری است که درک صحیح نتایج این پژوهش، در گرو درک سیر منطقی مطالب طرح شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با انقلاب صنعتی و با گسترش تکنولوژی و بوجود آمدن شرکت‌های غول پیکر همراه با تفکیک مالکیت از مدیریت، حسابداری مالی به تنهایی قادر به پاسخگویی نیازهای اطلاعاتی مدیران و سهامداران نبود (بابادی، ۱۳۹۴). از سویی دیگر امروزه نگرانی بزرگی برای پایداری اجتماعی و زیست محیطی وجود دارد که سبب شده شرکت‌ها به دنبال راه حل‌های نوآورانه‌ای برای از بین بردن و یا کاهش چالش‌های قرن ۲۱ هم چون رشد جمعیت، تغییرات آب و هوا و کمبود منابع باشند. پس موضوع پایداری اطلاعات اهمیت ویژه‌ای یافته است تا جایی که ذی نفعان، دیگر تنها به دنبال اطلاعات مالی شرکت‌ها نیستند بلکه ترکیبی از اطلاعات مالی و غیر مالی را خواستارند که تصویر بهتری از عملکرد واحد تجاری در بازه زمانی مشخص ارائه کند. در این میان بود که صحبت از گزارشگری یکپارچه به عنوان بخشی از فرآیندی که می‌تواند سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها را ارتقا دهد، به میان آمد. به همین دلیل به نظر می‌رسد گزارشگری یکپارچه برای نشان دادن نقطه اوج چند تغییر شکل در چگونگی عمل در مؤسسه‌ها و تعامل با محیط خارجی است. گزارشگری مالی سنتی به طور انحصاری به اطلاعات مالی گذشته تمرکز داشت و تنها به دنبال ارائه این اطلاعات به بستانکاران و سهامداران بود. اما در بازاری که مداوم در حال تحول است چنین گزارشی ناکافی است. ضرورت وجود گزارشگری به لحاظ توسعه شفافیت محیط اقتصادی شرکت‌ها و تصمیم‌گیری بهتر مدیران و سرمایه‌گذاران غیر قابل انکار است. چراکه به نظر می‌رسد که گزارشگری سنتی قادر به ترسیم جایگاه واقعی شرکت در جامعه و صنعت و بازار نیست. در گذشته که گزارشگری به شیوه امروزی مرسوم نبود اطلاعات مالی به خوبی نمی‌توانست تصویر

روشنی از عملکرد شرکت‌ها را بیان کند، به این ترتیب احتمال گرفتن تصمیم‌های اشتباه به مراتب بیش از امروز بود. درحالی که امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی و دانش بشری به همراه افزایش رقابت جهانی برای کسب سهم بیشتری از بازار، مدیران و ذی‌نفعان به اهمیت و ضرورت گزارشگری پی برده و همواره به دنبال ارائه گزارش‌هایی هستند که هم به وضوح عملکرد شرکت را توصیف کند و هم بتواند در تصمیم‌گیری‌ها، مربوط و به موقع باشند. در این میان گزارشگری یکپارچه به عنوان آخرین تحول گزارشگری شرکت‌ها، این فرصت را ایجاد می‌کند تا از مشکلات مرتبط جلوگیری کرده و نسبت به پر کردن خلأ اطلاعاتی به وسیله ارائه اطلاعات یکپارچه راجع به همه فعالیت‌های ارزش‌زا در شرکت اقدام کند. این نوع گزارشگری به دنبال برقراری ارتباط میان جنبه‌های متفاوت فعالیت‌های شرکت ایجاد شد و بیان می‌کند که چگونه مدل کسب و کار سازمان بر منابع و ارتباطاتی که توسط شرکت برای ایجاد ارزش در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت ایجاد می‌شود، اثرگذار است. همچنین این گزارشگری می‌تواند باعث تقویت نام تجاری و وفاداری بیشتر مشتریان و کسب حمایت‌های مالی و عملیاتی توسط واحد تجاری شود (فخاری و بابادی، ۱۳۹۵).

پیامدهای اقتصادی مرتبط با کیفیت گزارشگری یکپارچه

پرسشی که مطرح می‌کنیم این است که چگونه کیفیت گزارش یکپارچه، با ارزش شرکت مرتبط است. بخصوص اینکه ما دو کانال را شناسایی می‌کنیم که بواسطه آن با ارزش شرکت مرتبط می‌شود، کانال بازار سرمایه که با اطلاعات بهبود یافته برای تهیه کنندگان خارجی سرمایه مرتبط است و کانال تأثیرات واقعی که با تصمیم‌گیری داخلی بهبود یافته مرتبط است. انگیزه ما برای تمرکز بر این تأثیرات این است که چارچوب شورای گزارش‌دهی یکپارچه بین‌المللی دو هدف را برای گزارش‌دهی یکپارچه شناسایی می‌کند: (۱) بهبود کیفیت اطلاعات موجود برای تهیه کنندگان خارجی سرمایه مالی، تا بتوانند سرمایه کارآمدتری را اختصاص دهند و (۲) حمایت و تأیید تفکر، تصمیم‌گیری و عملیات‌های داخلی یکپارچه که بر ارزش‌آفرینی برای شرکت تمرکز دارد. در نتیجه، در تضاد با استانداردهای حسابداری یا دیگر انواع قوانین و قواعد افشاسازی مثلاً کمیسیون اوراق بهادار و ارز آمریکا از 10-K، گزارش‌دهی یکپارچه هدفی دوگانه از فراهم کردن اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان داخلی و خارجی دارد. ما به طور تجربی ارزیابی می‌کنیم که گزارش‌دهی یکپارچه به چه میزان و چگونه به این هدف دوگانه دست می‌یابد.

ارزش آفرینی

مفهوم ارزش از دیرباز و از زمانی که بشر به تجارت و جمع‌آوری سرمایه و ثروت پرداخته، وجود داشته است. در تمام زمان‌ها ارزش، شاخص ثابتی بود که در دوره مدرن به وسیله اقتصاددانان و جامعه‌شناسان به کار رفته است. با توسعه اقتصاد جهانی در دهه‌های اخیر توجه بیشتری به فرآیند ایجاد ارزش شده است. از دیدگاه کسب و کار دو رویکرد متفاوت به طور شگفت‌انگیزی توسعه یافت، ارزش برای مشتری و ارزش برای سهامداران. با توجه به رشد واحدهای تجاری و تأسیس شرکت‌های سهامی و این که هر یک از سهامداران دارای علائق و انتظارات متفاوتی هستند، هدف نهایی و آنچه که می‌توان میان همه آن‌ها مشترک دانست، حداکثر ساختن ارزش جاری سرمایه‌گذاری انجام شده در شرکت است. این ارزش به واسطه دارایی‌های موجود و کارآیی عملیاتی حاصل می‌شود، بنابراین ارزش حقوق صاحبان سهام از دو جزء، ارزش مورد انتظار نگه داشت منابع عملیاتی موجود و ارزش ناشی از گسترش عملیات یا فعالیت‌های آتی عملیاتی تشکیل می‌شود. امروزه از دیدگاه بازار سرمایه و سهامداران، ارزش شرکت را رشد پایدار و متممادی ارزش آفرینی تشکیل می‌دهد و نه سودآوری گذشته و کوتاه مدت آن. انگیزه‌های تغییر این نگرش ریشه در محرکه‌های نوین ارزش آفرینی، مزیت رقابتی و مدیریت ریسک دارد که به واسطه آن سهامداران بیشتر در آینده شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از این رو عواملی که بیان‌گر سودآوری پیوسته و رشد پایدار هستند، می‌تواند معیار مناسب ارزش برای آنان باشد. از طرف دیگر براساس تکنیکی به نام تحلیل ارزش برای سهامداران، با استفاده از گردش وجه نقد آتی تصویر روشنی از شرکت را به آنها ارائه می‌کند (رودنشین، ۱۳۸۴).

از لحاظ تئوری، ارزش آفرینی واحدهای تجاری که مناسب‌ترین مقیاس اندازه‌گیری آن، شاخص های ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده نقدی است از مبانی اساسی برای شکل‌دهی قضاوت بازار سرمایه است و ارزش افزوده بازار که شاخص ثروت آفرینی برای طبقه سهامدار است تحت تاثیر قضاوت نسبت به ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده نقدی است (دستگیر و ایزدی نیا، ۱۳۹۳).

با توسعه بازارهای سرمایه نقش معیارهای ارزیابی عملکرد در انعکاس عملکرد شرکتها از طریق محتوای اطلاعاتی موجودشان نیز پررنگ تر شده است، در این میان رقابت میان دو دسته از معیارهای ارزیابی عملکرد سنتی و مبتنی بر ارزش، در جهت توجیه عملکرد

شرکتها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در ارزیابی عملکرد در روش سنتی، تنها به سود حسابداری توجه می شود و به دلیل این که در آن هزینه منابع سرمایه شرکتها مورد توجه قرار نمی گیرد روش مطلوبی شمرده نمی شود. ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار از جدیدترین معیارهای عملکردی هستند که مورد توجه مدیران شرکتها، شرکتهای مشاوره مالی و پژوهشگران قرار گرفته است. ارزش افزوده اقتصادی یکی از معیارهایی است که رهنمودهای لازم را به مدیران برای ارزیابی عملکرد واحد تجاری ارائه می کند و بازار سرمایه نیز می تواند برای ارزشیابی واحدهای تجاری از آن بهره مند شود. براساس ارزش افزوده اقتصادی، ارزش، زمانی خلق می شود که واحدهای تجاری بتوانند تمام هزینه عملیاتی و همچنین هزینه های سرمایه ای خود را پوشش دهند و مبلغی نیز به عنوان سود با ارزش افزوده اقتصادی باقی می ماند. ارزش افزوده بازار نشان دهنده ارزیابی سرمایه گذار از شرکت است و حداکثر نمودن آن هدف هر شرکتی است که به دنبال حداکثر کردن ثروت سهامداران است، زیرا با رشد قیمت سهم و افزایش ارزش بازار آن به طور عملی و واقعی به ثروت سهامداران شرکت افزوده می شود. بنابراین تغییرات ارزش افزوده بازار هر شرکت بیانگر تغییر ثروت سهامداران آن شرکت است. ارزش افزوده بازار که شاخص ثروت آفرینی برای طبقه سهامداران است تحت تاثیر قضاوت نسبت به ارزش افزوده اقتصادی است. از لحاظ تئوریک ارزش یک شرکت در یک تاریخ معین تابعی از انتظارات بازار سرمایه نسبت به ارزش افزوده اقتصادی سال های آینده است. ارزش افزوده بازار زمانی ایجاد می شود که ارزش بازار واحدهای تجاری بیش از سرمایه به کار گرفته شده در آن باشد. هر چه ارزش افزوده بازار بزرگتر باشد بدین معنی است که بازار سرمایه انتظار دارد ارزش افزوده اقتصادی بیشتری در آینده ایجاد شود (فرانسیس^۱، ۲۰۱۳).

یکی از مفیدترین معیارهای ارزیابی عملکرد و همچنین پیش بینی ارزش سهام شرکتها، معیار ارزش افزوده اقتصادی است. مدیریت شرکت قصد دارد براساس ارزش افزوده اقتصادی ثروت سهامداران را حداکثر کند. متأسفانه، بسیاری از شرکتها سود نهایی محصولات شان را بدون در نظر گرفتن هزینه فرصت سرمایه خود برآورد می کنند. حداکثر کردن، نه تنها راه حلی برای این مشکل ارائه می کند بلکه همواره انگیزه هایی را نیز برای حداکثر کردن ثروت سهامداران در

1. Francis

مدیران ایجاد می‌کند. ارزش افزوده اقتصادی با ارزش فعلی خالص نیز رابطه نزدیکی دارد. ارزش افزوده اقتصادی با این تئوری که ارزش شرکت، تنها با انتخاب پروژه هایی با خالص ارزش فعلی مثبت افزایش می یابد، سازگار است. ارزش افزوده اقتصادی مدیران ارشد شرکت را نسبت به معیارهایی که بیشتر تحت کنترل آنهاست (نظیر نرخ بازده و نرخ هزینه سرمایه) و نه معیارهایی غیر قابل کنترل (نظیر ارزش بازار سهام) پاسخگو می‌کند. ارزش افزوده اقتصادی متأثر از کلیه تصمیم‌های مربوط به تأمین مالی، نرخ هزینه سرمایه گذاری سهام داران را به بهترین نحوه فراهم می‌کند. ارزش افزوده اقتصادی نشان می‌دهد که ارزش شرکت آشکارا به عملکرد مدیریت بستگی دارد. ارزش افزوده اقتصادی با ارزش بازار شرکت در ارتباط است چرا که ارزش سهام تابعی از ارزش افزوده اقتصادی آتی پیش بینی شده است. ارزش افزوده اقتصادی معیاری است که نشان می‌دهد عملکرد واقعی شرکت نسبت به عملکرد پیش بینی شده‌اش کاهش یا افزایش داشته است. ارزش افزوده اقتصادی مثبت به این معنی است که ارزش شرکت با در نظر گرفتن هزینه سرمایه به کار گرفته شده افزایش یافته است. ارزش افزوده اقتصادی، روش مناسبی برای تعیین اهداف اندازه گیری عملکرد، ارزیابی استراتژیها، تخصیص سرمایه ها، طراحی سیستم های پاداش، افزایش سرمایه و قیمت گذاری است. ارزش افزوده اقتصادی به عنوان معیار ارزیابی عملکرد اقتصادی با پیش بینی معیارهای دیگر نظیر ارزش افزوده نقدی، ارزش افزوده سهام‌داران و بازار جریان نقدی روی سرمایه گذاری ها سازگار است. در نهایت اینکه ارزش افزوده اقتصادی به عنوان معیار اندازه گیری عملکرد کمتر در معرض تحریف های حسابداری قرار دارد (رامانا^۱، ۲۰۱۰).

طبق IIRC (۲۰۱۳) «هدف اصلی یک گزارش یکپارچه توضیح این امر برای تهیه کنندگان سرمایه مالی است که چگونه یک سازمان طی زمان ارزش آفرینی می‌کند. بنابراین، حاوی اطلاعاتی مرتبط، هم مالی و هم دیگر اطلاعات است. یک گزارش یکپارچه به نفع همه سهام‌داران علاقمند به قابلیت سازمان برای ایجاد ارزش طی زمان است، که شامل کارکنان، مشتریان، تهیه کنندگان، شرکای تجاری، جوامع محلی، قانونگذاران، تنظیم کنندگان و سیاست‌گذاران می‌شود». در نتیجه (IIRC 2013) اشاره دارد که کاربران اصلی گزارش‌های یکپارچه مهیا کنندگان سرمایه مالی هستند. مطابق با این امر، تمرکز مطالعه ما بر سهام‌داران

1. Ramana

است که مهیا کنندگان سرمایه مالی هستند، مدافعان IR استدلال دارند که IR کیفیت اطلاعات موجود برای مهیا کنندگان سرمایه مالی را بهبود بخشیده و آنها را قادر می سازد که اختصاص بهره ور و کارآمدتری برای سرمایه داشته باشند. برای نمونه، هدف IR فراهم کردن یک همبندی بهتر از ارتباطات میان راهبرد، الگوی تجاری و ارزش آفرینی شرکت را فراهم کند. به میزانی که کیفیت افشاسازی بهتر تحت IR هزینه پردازش اطلاعات سرمایه گذاران را کاهش می دهد، این امر باید سرعت و میزان یکی شدن اطلاعات ویژه شرکت با قیمت های دارایی را بهبود بخشد.

دو دیدگاه متعارض درباره رابطه میان گزارش دهی یکپارچه و ارزش گذاری شرکت وجود دارد. طبق دیدگاه اول، اگر IR برای سهام داران مفید باشد، پیش بینی می کنیم که ارزش گذاری شرکت رابطه ای مثبت با IR دارد. طرفداران IR استدلال می کنند که IR کیفیت اطلاعات موجود برای مهیا کنندگان سرمایه مالی را بهبود می بخشد تا آنها را برای اختصاص بهره ور و کارآمدتر سرمایه توانا سازد. برخی از مزایای بالقوه ادعا شده IR شامل این موارد هستند: (۱) همبندی و اتصال بهتر راهبرد سازمان و چگونگی واکنش الگوی تجاری آن به تغییرات در محیط خارجی و چشم انداز خارجی؛ (۲) همبندی بهتر ریسک ها و فرصت های ویژه که بر قابلیت سازمان برای ارزش آفرینی در کوتاه، میان و بلندمدت تاثیر دارد. (۳) همبندی بهتری از چگونگی کاهش / مدیریت ریسک های اصلی سازمان، ارزش آفرینی از فرصت های اصلی و ساختار حاکمیت مورد نیاز برای تایید ارزش آفرینی؛ (۴) تمرکزی که تنها بر عملکرد مالی نیست بلکه بر عملکرد غیرمالی برای برآوردن نیازها و منافع اصلی سهام داران نیز است. (۵) تمرکز بر ارتباط اطلاعات (مانند اینکه چگونه سازمان راهبرد خود و طرح های تخصیص منبع خود را با نیروهای محیطی خارجی، مداخله سهام دار و ریسک ها و فرصت های شناسایی شده مرتبط می سازد)؛ (۶) نیاز سازمان به داشتن بخش های متصل و تفکیک مخازن سازمانی برای تولید یک گزارش دهی یکپارچه خوب؛ (۷) بهبود در روندهای داخلی (که اگرچه به کارایی و صرفه جویی های هزینه منجر می شود) در نتیجه بخش ها و وزارت های منسجم؛ و (۸) هزینه پایین تر سرمایه. مطابق با IIRC، با فراهم آوری اطلاعات مهم در یک روش منسجم که به ارزش آفرینی مربوط است، IR کسب اطلاعات و هزینه های پردازش تهیه کنندگان سرمایه خارجی مانند سهام داران و بدهکاران را کاهش می دهد.

مروری بر پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

دوو و همکاران^۱ (۲۰۱۹) به بررسی اهمیت گزارشگری یکپارچه در بازار سرمایه پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد گزارشگری یکپارچه، هزینه سرمایه شرکت‌ها را کاهش داده و به طور فزاینده‌ای باعث شده تا اطلاعات سودمندی به بازار سرمایه ارائه شود و در نهایت، سازوکارهای گزارشگری موجود بهبود یابد. با این حال، نیاز است تا در چارچوب گزارشگری یکپارچه، شاخص‌های مربوط به اطلاعات مالی و غیرمالی مشخص شوند.

پیستونی و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی میزان کیفیت گزارشگری یکپارچه شرکت‌هایی که این نوع گزارشگری را در دستور کار قرار داده‌اند، پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد کیفیت گزارشگری یکپارچه پایین است و اطلاعات مربوط به جنبه‌های گزارشگری یکپارچه، از جمله سرمایه، مدل کسب و کار و روند ایجاد ارزش در شرکت‌ها، به صورت ناقص گزارش شده است و برای بهبود افشای این اطلاعات، باید چارچوب گزارشگری یکپارچه تقویت شود.

براث و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی پیامدهای اقتصادی مرتبط با کیفیت گزارش یکپارچه بازار سرمایه و تاثیرات حقیقی آن پرداختند. چارچوب شورای بین‌المللی گزارش‌دهی یکپارچه دو هدف را برای گزارش‌دهی یکپارچه شناسایی می‌کند: اطلاعات بهبود یافته برای تهیه کنندگان خارجی سرمایه مالی و تصمیم‌گیری داخلی بهتر. در این پژوهش با بررسی دو کانال بازار سرمایه و تاثیرات واقعی به رابطه مثبتی میان کیفیت گزارش یکپارچه (IRQ) و ارزش شرکت دست یافتند. برای انجام این آزمایش‌ها، ارزش شرکت را به سه مولفه تفکیک شد: نقدینگی، هزینه سرمایه و گردش نقدی مورد انتظار آینده. با استفاده از داده‌های آفریقای جنوبی که در آن گزارش‌دهی یکپارچه اجباری است و یک معیار IRQ بر مبنای داده‌های اختصاصی EY، به رابطه مثبتی میان IRQ و نقدینگی دست یافتند که از کانال بازار سرمایه حمایت می‌کند. در این پژوهش هیچ شاهد و مدرکی از رابطه میان IRQ و هزینه سرمایه نیافتند. همچنین رابطه مثبتی میان IRQ و گردش نقدی مورد انتظار آینده را نشان دادند.

1. Dewoo and et al

2. Pistoni and et al

3. Beras and et al

از آنجا که این ارتباط می‌تواند بازتاب دهنده پیش بینی های گردش نقدی بهتر سرمایه گذار باشد -تاثیر بازار سرمایه، تصمیمات داخلی بهتر -تاثیر واقعی یا هردوی آنها. تلاش کردند که این سه تفسیر را از هم متمایز سازند. به این نتیجه رسیدند که IRQ بالاتر با گردش نقدی عملیاتی آینده تحقق یافته بالاتر (صحت بیشتر پیش بینی قیمت هدف توسط تحلیلگر) ارتباط دارد (ندارد)، و IRQ بالاتر با کارایی سرمایه گذاری بالاتر مرتبط است. این یافته ها از کانال تاثیرات واقعی حمایت می‌کند. بطور کلی یافته های این پژوهش با این نتیجه مطابقت دارد که گزارش دهی یکپارچه به هدف دوگانه خویش در اطلاعات خارجی بهبود یافته و تصمیم گیری های داخلی بهتر دست می‌یابد.

فریاس و همکاران^۱ (۲۰۱۶) با تکیه بر نظریه ذینفعان به عوامل مؤثر در چارچوب گزارشگری یکپارچه در شرکتهای بین‌المللی پرداختند. هدف مطالعه آنها بررسی تأثیر برخی از عوامل مؤثر بر این نوع گزارشگری است. نتایج پژوهش آنها نشان داد عوامل فرصت های رشد، اندازه شرکت و شاکله مدیریت، مهمترین عوامل در انتشار گزارش های یکپارچه بوده است و برای تدوین چارچوب گزارشگری یکپارچه، باید به ویژگیهای راهبری شرکتی نیز توجه شود.

اکلس و کرزوس^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی توصیفی، گزارشگری یکپارچه را به عنوان استراتژی پایدار در نظر گرفتند. نتایج پژوهش آنها نشان داد در ارائه گزارش ها به صورت تفکیکی، بار اطلاعاتی و ارزش ایجاد شده و مصرف شده در سازمان به خوبی نشان داده نمی‌شود و ارائه اطلاعات مالی و غیر مالی در قالب گزارش از سوی شرکت ها، باعث می‌شود شفافیت اطلاعاتی افزایش یابد و هم گرایی بیشتری میان ذی نفعان و شرکت فراهم شود.

آدامز و فورست^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی یکپارچه سازی گزارشگری پایداری پرداختند. آنها معتقدند تمامی شرکت ها باید گزارشگری پایداری را به صورت گزارشی یکپارچه ارائه کنند و در این گزارش از شاخص های عملکرد کلیدی برای اندازه گیری عملکرد پایدار استفاده کنند.

1. Frias and et al

2. Ekles and Kerzos

3. Adamz and Forset

پژوهش‌های داخلی

امیر بیکی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی الگوی یکپارچه حسابداری مدیریت توسعه پایدار پرداختند. توسعه پایدار یکی از مفاهیم مهمی است که در نتیجه تغییرات اجتماعی و محیطی، طی چند دهه گذشته، مورد توجه محافل علمی و بین‌المللی قرار گرفته است. اهمیت نقش حسابداری مدیریت در حوزه پایداری، از یک سو در ارایه اطلاعات تسهیل کننده تصمیم‌های پایدار مدیران و از سوی دیگر در تامین اطلاعات لازم به منظور گزارشگری خلق ارزش پایدار برای ذینفعان است. تحلیل اطلاعات این گزارش‌ها به بهبود اثربخشی اقتصادی و محیطی و اجتماعی و کارآیی آن ابعاد کمک می‌کند. از این رو، در این پژوهش به بررسی اکتشافی عوامل انگیزشی و الزامات حسابداری مدیریت توسعه پایدار و یکپارچگی پیامدهای حسابداری مدیریت پایدار با تصمیمات استراتژیک شرکت و همچنین ارزیابی پیامدهای آن پرداخته می‌شود و هدف غایی آن، تدوین مدل یکپارچه حسابداری مدیریت توسعه پایدار است. برای این منظور از روش پژوهش کیفی نظریه داده بنیاد استفاده شده که داده‌های لازم از طریق مصاحبه‌های عمیق با خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای کشور طی سالهای ۹۶ و ۹۷ استخراج و پس از کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، مبنای توسعه الگوی یکپارچه حسابداری مدیریت توسعه پایدار قرار گرفت.

ستایش و مهتری (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی الگویی برای ارائه اطلاعات شرکت‌های ایرانی در قالب گزارشگری یکپارچه پرداختند. تاکنون شرکت‌های ایرانی اقدام به تهیه و ارائه گزارشهای یکپارچه نکرده‌اند. یکی از دلایل اصلی در ارائه نکردن این گزارش، نبود الگویی برای ارائه گزارش‌های یکپارچه است. هدف این پژوهش، تبیین الگویی برای ارائه اطلاعات مالی و غیرمالی شرکت‌های ایرانی در قالب گزارشگری یکپارچه است. در این پژوهش، با توجه به نظریه‌های مطرح در حوزه گزارشگری و بر اساس الگوهای گزارشگری مالی و همچنین رهنمودهای کلی ارائه شده در چارچوب بین‌المللی گزارشگری یکپارچه، الگوی گزارشگری یکپارچه استخراج شده است. سپس پرسشنامه‌ای بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و نظر خبرگان، طراحی و در اختیار نمونه آماری پژوهش قرار گرفت. این پژوهش کاربردی و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات توصیفی و از نوع پیمایشی است. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری ناپارامتریک، نشان داد که اجزای اصلی الگوی گزارشگری یکپارچه بدین شرح است: کلیات مبانی نظری، شامل اهداف، مخاطبان، ویژگیهای کیفی اطلاعات، قیود و محدودیت‌ها

رویکرد گزارشگری مبتنی بر اصول یا مبتنی بر قانون اجباری یا اختیاری بودن افشای اطلاعات مندرج در گزارش، مسئول تدوین استانداردها، مسئول تهیه و ارائه گزارش تقبل هزینه های گزارش دوره، گزارشگری عناصر و ابعاد گزارش شکل، گزارش نحوه انتشار، گزارش نوع شرکتها و مسئول اعتباربخشی گزارش. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش، پیشنهاد می شود از این الگو برای پیاده سازی گزارشگری یکپارچه به منظور افشای اطلاعات مالی و غیرمالی شرکتها استفاده شود.

صفری گرایلی و رضایی پینه توئی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی گزارشگری یکپارچه، ابزاری نوین برای تحول گزارشگری شرکتها پرداختند. با گسترش روزافزون نیازهای اطلاعاتی در خصوص عملیات واحدهای تجاری، به نظر می رسد که ارائه صورت های مالی به شکل سنتی نمی تواند پاسخگوی تمام نیازهای استفاده کنندگان باشد. در این راستا، مبحث نوینی در سطح جهانی با عنوان گزارشگری یکپارچه مطرح شده است که هدف اصلی آن انطباق طبقه بندی ها در اجزای مختلف صورت های مالی و کمک به استفاده کنندگان در خصوص شناخت تأثیر هر دارایی و بدهی و تغییرهای آنها در هریک از صورت های مالی و آن هم به صورت همزمان است. در این پژوهش سعی می شود با ارائه اطلاعاتی در خصوص ویژگی های گزارشگری مالی یکپارچه، به لزوم گسترش نوعی از گزارشگری مالی پرداخته شود. پژوهش حاضر با هدف ترویج و ارتقا جایگاه دانش حسابداری مبتنی بر روش شناخت تاریخی با بررسی اسناد و مدارک آرشیوی و منابع علمی کتابخانه ای انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که گزارشگری یکپارچه به منظور بهبود و تلفیق شیوه های گزارشگری موجود و برای حرکت به سوی چارچوب گزارشگری که اطلاعات مورد نیاز را برای ارزیابی ارزش های سازمانی در قرن ۲۱ تهیه می کند، طراحی شده و به عنوان آخرین تحول گزارشگری شرکتها به شمار می رود. البته شایان ذکر است که در حال حاضر، طبق دستورالعمل راهبری شرکتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، ارائه گزارشگری یکپارچه در سایت شرکتها مجاز شده است اما هنوز به صورت جدی به این امر پرداخته نشده است.

رضایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی ارتباط ارزش اطلاعات حسابداری در رویکرد گزارشگری یکپارچه پرداختند. هدف این پژوهش بررسی ارتباط ارزش اطلاعات حسابداری در رویکرد گزارشگری یکپارچه در بورس اوراق بهادار تهران است. با گسترش روزافزون نیازهای اطلاعاتی در خصوص عملیات واحدهای تجاری، به نظر میرسد که ارائه

صورت‌های مالی به شکل سنتی نمی‌تواند پاسخگوی تمام نیازهای استفاده کنندگان باشد. در این راستا، مبحث نوینی در سطح جهانی با عنوان گزارشگری مالی یکپارچه مطرح شده است که در این پژوهش به بررسی ارائه اطلاعاتی در خصوص ویژگیهای گزارشگری مالی یکپارچه، به لزوم گسترش این نوع از گزارشگری مالی پرداخته شود. بدین منظور داده‌های موردنیاز از ۸۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش نشان داد که میان سود خالص و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معناداری وجود دارد. میان ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار سهام ارتباط غیرخطی معناداری وجود دارد. میان ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار سهام ارتباط غیرخطی معناداری وجود دارد. میان سودوزیان جامع و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معناداری وجود دارد. میان سودوزیان جامع و ارزش بازار سهام ارتباط غیرخطی معناداری وجود دارد.

شفیع زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش گزارشگری مالی، شفافیت و راهبری شرکتی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران پرداختند. نتایج نشان داد که در حوزه گزارشگری مالی و قابلیت اتکای صورت‌های مالی و اثر بخش بودن اطلاعات و در حوزه راهبری شرکتی، ترکیب سهامداران و رعایت شیوه‌های راهبری شرکتی به صورت محتوایی، از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران هستند. بنابراین، تقویت محتوای گزارش‌ها و نحوه افشای اطلاعات، تقویت قوانین و مقررات راهبری شرکتی، تقویت و رعایت الزامات معامله‌ها با اشخاص وابسته و بهبود روش‌های پاسخگویی به سرمایه‌گذاران، موجب افزایش حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران می‌شود.

رضایی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی شفافیت پاسخگویی در بخش عمومی و چارچوب گزارشگری یکپارچه پرداخت. براساس مفهوم پاسخگویی، افراد، نهادها و سازمانها در قبال اختیارات و نتایج فعالیت‌هایشان مسئول شناخته می‌شوند زیرا وجوه و منابع عمومی برای انجام فعالیت و ارائه خدمت در اختیار آنها قرار داده شده است. یعنی این نهادها باید بتوانند به شیوه‌های موثر و کارآمد از طریق لودادن اطلاعات مفید و مرتبط در خصوص اقدامات آن خود امکان پاسخگویی به همه گروههای ذینفع را فراهم آورند. بنابراین می‌توان گفت شفافیت در قالب گزارشگری، یک عامل مهم در ایفای پاسخگویی عمومی است. شفافیت به وجود اطلاعات در مورد یک سازمان اشاره می‌کند که به بازیگران بیرونی اجازه می‌دهد فعالیت‌های داخلی و

کارائی آن سازمان را مشاهده کنند. نظریه های نمایندگی، ذینفعان و مشروعیت نشانگر، نقش شفافیت در گزارشگری به عنوان تقویت کننده پاسخگویی بخش عمومی است. امروزه با افزایش مطالبه عمومی برای شفافیت و پاسخگویی، گزارشگری بخش عمومی به حوزه هایی چون عملکرد، پایداری و گزارشگری محیطی گسترده شده است. یکی از جدیدترین چارچوب های گزارشگری در این زمینه، چارچوب گزارشگری یکپارچه است که به دنبال ایجاد و تکامل یک مدل گزارشگری جهانی است به گونه ای که نشان دهد چگونه استراتژی، حاکمیت، چشم اندازها و عملکرد یک سازمان منجر به ارزش آفرینی در افق های زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت می شود.

حصارزاده (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی یکپارچه سازی نظام مند مفاهیم و مدل سازی بصری گزارشگری مالی در بخش عمومی پرداخت. هدف این پژوهش، یکپارچه سازی مفاهیم حسابداری بخش عمومی به عنوان یک پیکره واحد و حتی هماهنگ با بخش خصوصی برای مدل سازی انواع الگوهای با اهمیت گزارشگری مالی در بخش عمومی است. در این راستا، ابتدا دیدگاه های مفسر سودمندی گزارشگری مالی مورد بحث قرار می گیرد و دیدگاه مطلوب حسابداری بخش عمومی واکاوی شد. سپس مفاهیم پیش نیاز مدل-سازی مرور شدند. در نهایت، در این پژوهش با بکارگیری تحلیل قیاسی - مفهومی، «مدل آمریکایی، مدل بین المللی، مدل ایرانی قبل تدوین استانداردهای حسابداری بخش عمومی و مدل ایرانی بعد تدوین استانداردهای حسابداری بخش عمومی» را به صورت بصری ارایه کرد. استنباط های این پژوهش، می تواند ضمن ساده سازی یادگیری و آموزش مفاهیم حسابداری بخش عمومی، واکاوی یکپارچه مزایا و محدودیت های الگوهای گزارشگری مالی را به ویژه در شرایطی که تدوین استانداردهای حسابداری بخش عمومی ایران در سالهای اولیه تولد خود بسر می برد، تقویت کند.

جعفری و احمد پور کاسگری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تاثیر ضریب ارزش افزوده فکری و عناصر آن بر بازده سرمایه گذاری در سهام و کاربرد آن در گزارشگری مالی (شرکت های صنایع غذایی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران) پرداختند. نتایج این تحلیل نشان می دهد که رابطه میان ضریب ارزش افزوده فکری، عناصر آن بر بازده سرمایه گذاری در سهام شرکت ها مثبت و معنی دار است. بنابراین تمرکز در مدیریت مناسب بر ضریب ارزش

افزوده فکری و هریک از عناصر آن در شرکت های صنایع غذایی بطور خاص و تعمیم آن به سایر صنایع می تواند موجب بهبود بازده سهام آنها شود.

حساس یگانه (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی ارزش آفرینی گزارشگری سرمایه انسانی پرداخت. نتایج پژوهش نشانگر بی تاثیر بودن گزارشگری سرمایه انسانی بر عملکرد مالی شرکت و تاثیر مثبت و معنادار آن بر قیمت سهام و ارزش بازار شرکت است. همچنین نتایج پژوهش بیانگر اثر تعدیلی مثبت اندازه شرکت بر ارتباط بین گزارشگری سرمایه انسانی با قیمت سهام و ارزش بازار شرکت است. در ضمن نتیجه گیری شد که اهرم مالی و ساختار سررسید بدهی تاثیری مثبت بر گزارشگری سرمایه انسانی دارند.

سرهنگی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی اثر پیچیدگی گزارشگری مالی بر رفتار معاملاتی سرمایه گذاران در بازار سرمایه ایران پرداختند. نتایج نشان داد که گزارش های پیچیده منجر به کاهش حجم معاملات سرمایه گذاران می شود. همچنین اثرات گزارشگری پیچیده بر کاهش حجم معاملات سرمایه گذاران کوچک در مقایسه با سرمایه گذاران بزرگ بیشتر است. در نهایت پیچیدگی گزارشگری های باعث کاهش توافق معاملاتی بین سرمایه گذاران می شود.

با توجه به پژوهش های پیشین داخلی می توان نتیجه گرفت تاکنون در خصوص بررسی عوامل مؤثر بر گزارشگری یکپارچه در ایران مقاله ای تاکنون به نگارش درنیامده است. درواقع، یکی از محدودیت های این پژوهش را نیز می توان کمبود منابع داخلی در این زمینه دانست. ازاین رو، پژوهش حاضر در راستای پر کردن نبود پژوهشی و دستیابی به اهدافی هم چون تبیین عوامل مؤثر بر رویکرد گزارشگری یکپارچه در کشور صورت می گیرد.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش، از رویکرد قیاسی- استقرایی استفاده شده است. در روش قیاسی اقدام به مطالعه مبانی نظری راجع به متغیرهای پژوهش شده تا بر اساس روش های مناسب، مقادیر متغیرهای مورد نظر محاسبه شود و پس از آن در روش استقرایی به بررسی معنی دار بودن ارتباط میان گزارشگری یکپارچه به عنوان متغیر مستقل و مولفه های ارزش آفرینی شرکت به عنوان متغیر وابسته، پرداخته می شود. روش کلی پژوهش از جهت هدف، کاربردی و از جهت طرح

پژوهش، پس رویدادی است. اطلاعات مربوط به مبانی نظری و ادبیات پژوهش از میان کتب و مقاله‌های موجود در این زمینه و اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش از نرم افزار ره آورد نوین جمع آوری شده‌اند. دوره مورد پژوهش نیز یک دوره ده ساله بر اساس صورت‌های مالی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به غیر بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکتهای سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک‌ها به دلیل متفاوت بودن افشای مالی و ساختارهای اصول راهبری آنها) است که دارای شرایط زیر باشند:

- ✓ از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ✓ پایان سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند هر سال باشد.
 - ✓ طی این سالها تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
 - ✓ اطلاعات مالی مورد نیاز آنها در دسترس باشد.
 - ✓ توقف معاملاتی بیش از شش ماه در مورد سهام شرکت اتفاق نیفتاده باشد.
 - ✓ با توجه به شرایط فوق، ۱۲۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.
- مرتب کردن و طبقه‌بندی اولیه داده‌ها به وسیله نرم افزار Excel انجام شد. تحلیل‌های آماری نیز با استفاده از نرم افزار AMOS (نسخه ۱۸) انجام شده است. در تحلیل مدلسازی معادلات ساختاری، مدل معادله ساختاری، ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری (مدلهای عاملی تأییدی) و مدل‌های ساختاری (مدلهای تحلیل مسیر) است. تمایز میان مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری، در گام‌های بعدی فرایند مدل‌سازی معادلات ساختاری نقش مهمی را ایفا می‌کند. در واقع، چنانچه مدل اندازه‌گیری برازش مناسبی از اندازه‌گیری متغیر پنهان را نشان دهد، برازش مدل ساختاری با اطمینان بیشتری صورت خواهد گرفت. به همین منظور، آزمون مدل اندازه‌گیری مقدم بر آزمون مدل ساختاری است. بنابراین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، یک فرایند دو مرحله‌ای انجام می‌شود. ابتدا باید از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری (گزارشگری یکپارچه) اطمینان حاصل شود و سپس برازش مدل ساختاری (ارتباط بین گزارشگری یکپارچه و مولفه‌های ارزش‌آفرینی شرکت‌ها) مورد بررسی قرار گیرد. برای رد یا عدم رد فرضیه‌های پژوهش نیز از آزمون معنی‌داری هر یک از ضرایب رگرسیونی استاندارد شده مدل ساختاری (آزمون t) استفاده شده است. چنانچه احتمال آماره t کمتر از ۵ درصد باشد، فرضیه پژوهش رد نمی‌شود.

فرضیه پژوهش

گزارشگری یکپارچه رابطه معناداری با مولفه‌های ارزش آفرینی شرکت‌ها دارد.
متغیرهای پژوهش و نحوه محاسبه آنها:

متغیر مستقل

$IRSCORE =$ شاخص امتیاز گزارش‌دهی یکپارچه، ترکیبی از اطلاعاتی است که شرکت‌ها در گزارش‌های یکپارچه‌شان فراهم می‌کنند. مطابق با چارچوب گزارش‌دهی یکپارچه به واسطه کنسول گزارش‌دهی یکپارچه بین‌المللی، ۸ عنصر محتوای اصلی گزارش‌دهی یکپارچه را تشکیل می‌دهند که این ۸ عنصر عبارت‌اند از: ۱- بررسی کلی واحد سازمانی و محیط خارجی ۲- استراتژی‌ها و نحوه تخصیص منابع ۳- الگوی کسب‌وکار ۴- حاکمیت ۵- فرصت‌ها و ریسک‌های سازمان ۶- عملکرد سازمان ۷- چشم‌انداز آینده ۸- آماده‌سازی و ارائه.

در هر عنصر محتوای اصلی، ۵ پرسش را برای سنجش جامع بودن و کیفیت افشاسازی گزارشگری یکپارچه بر مبنای اصول تعبیه شده در کنسول بین‌المللی گزارشگری یکپارچه طرح‌ریزی شده است. پاسخ به هر پرسش با یک مقیاس صفر تا پنج ارزیابی می‌شود که در آن صفر نشان‌دهنده نبود تطابق با اصول گزارشگری یکپارچه و امتیاز ۵ نشان‌دهنده تبعیت قوی از اصول گزارشگری یکپارچه است. در نتیجه، امتیاز حداقل هر عنصر اصلی محتوا صفر و امتیاز حداکثر برای هر جزء اصلی محتوا ۲۵ است. در نتیجه، امتیاز نهایی کیفیت گزارشگری یکپارچه بین ۰ تا ۲۰۰ امتیاز است و در نهایت به منظور کوچک و همگن کردن داده‌ها، امتیاز به دست آمده برای هر شرکت در هر سال تقسیم بر حداکثر امتیاز ۲۰۰ می‌شود و نسبتی از معیار صفر تا یک به دست می‌آید. هر چه امتیاز به دست آمده به یک نزدیک‌تر باشد نشان از کیفیت بالای گزارشگری یکپارچه دارد.

$TOBINQ =$ ارزش بازار سرمایه به اضافه ارزش دفتری بدهی‌های کلی تقسیم بر دارایی‌های کلی.
ارزش افزوده اقتصادی (EVA SCORE): برآوردی از میزان سود اقتصادی یک شرکت است که به صورت رابطه زیر بیان می‌شود.

$$EVA_t = NOPAT_t - (WACC_t \times CAPITAL_{t-1})$$

NOPAT : سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات

CAPITAL t-1: جمع حقوق صاحبان سهام به علاوه بدهی های بهره دار در سال قبل

WACCt: میانگین موزون نرخ هزینه سرمایه

محاسبه میانگین موزون نرخ هزینه سرمایه:

$$WACC = (w_e \times k_e) + (w_s \times k_s) + (w_d \times k_d)$$

میانگین هزینه سرمایه از دو جزء اصلی نرخ هزینه منابع (ki) و وزن منابع (wi) تشکیل شده است. با بررسی صورت های مالی شرکت های بورس تهران، مشاهده شد که این شرکت ها از بدهی، سهام عادی، سود انباشته و اندوخته ها برای تأمین مالی استفاده کرده اند. نحوه محاسبه نرخ هزینه هر یک از منابع بالا به شرح زیر است:

$$(1-T) \times (\text{بدهی بهره دار} / \text{هزینه تامین مالی طی دوره}) = \text{هزینه بدهی} (k_d)$$

$$\text{ارزش بازار هر سهم} / \text{سود پرداختی به هر سهم} = \text{هزینه حقوق صاحبان سهام} (k_e)$$

$$(\text{درصد سود تقسیم نشده}) + (\text{ارزش بازار هر سهم} / \text{سود هر سهم}) = \text{سود انباشته و اندوخته ها} (k_s)$$

$$(\text{سود هر سهم} / \text{سود پرداختی به هر سهم}) - 1 = \text{درصد سود تقسیم نشده}$$

برای محاسبه وزن هر یک از منابع سرمایه از روش ارزش دفتری استفاده شده است.

$$\text{ارزش دفتری بدهی های بهره دار} + \text{ارزش دفتری سهام} + \text{ارزش دفتری سود انباشته و اندوخته ها} = \text{جمع منابع}$$

$$\text{جمع منابع} / \text{ارزش دفتری بدهی های بهره دار} = \text{وزن بدهی های بهره دار} (W_d)$$

$$\text{جمع منابع} / \text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام} = \text{وزن حقوق صاحبان سهام} (W_e)$$

$$\text{جمع منابع} / \text{ارزش دفتری سود انباشته و اندوخته ها} = \text{وزن سود انباشته و اندوخته ها} (W_s)$$

ارزش افزوده نقدی (CVA SCORE): بر اساس دیدگاه مشاوره ای بوستون که بر اساس سود باقیمانده طراحی شده است و مقدار سود نقدی باقیمانده ی شرکت را اندازه گیری می کند. این مدل توسعه ای از مفهوم جریان نقدی بازده سرمایه گذاری است و از طریق رابطه زیر بدست می آید:
(هزینه سرمایه نقدی - بازده جریان نقدی بازده سرمایه گذاری) سرمایه گذاری ناخالص = ارزش افزوده نقدی

خالص دارایی‌های جاری + بهای تمام شده دارایی‌های غیر جاری = سرمایه‌گذاری ناخالص

جریان نقدی بازده سرمایه‌گذاری / سرمایه‌گذاری ناخالص = بازده جریان نقدی بازده سرمایه‌گذاری

ارزش افزوده سهامدار (SVA): یک شرکت زمانی برای سهام‌دارانش ارزش ایجاد می‌کند که بازده سهامدار بالاتر از هزینه سهام (بازده مورد انتظار سرمایه) شد. به بیان دیگر، شرکتی در طول یک سال ایجاد ارزش می‌کند که فراتر از انتظارات عمل کرده باشد (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۵).

(بازده مورد انتظار سرمایه - بازده سهامدار) * ارزش بازار حقوق صاحبان سهام = ارزش ایجاد شده سهام دار

ارزش افزوده بازار (MVA): یکی دیگر از معیارهای ارزش آفرینی می‌باشد. که نشان‌دهنده تفاوت میان ارزش بازار یک شرکت و سرمایه‌ای است که توسط سرمایه‌گذاران شامل صاحبان سهام و دارندگان اوراق قرضه وارد شرکت شده است. از رابطه زیر برای تعیین ارزش افزوده بازار استفاده می‌شود.

میانگین ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه - میانگین ارزش بازار حقوق صاحبان سرمایه طی سال = ارزش افزوده بازار

میانگین ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه نیز عبارت است از مجموع حقوق صاحبان سرمایه در ابتدا و انتهای دوره، که بر دو تقسیم می‌شود.

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیف داده‌ها به سه گروه شاخص‌های مرکزی (مانند میانگین و میانه)، شاخص‌های پراکندگی (مانند انحراف معیار)، شاخص‌های شکل توزیع (مانند شاخص‌های چولگی و کشیدگی) تقسیم می‌شوند. جدول ۱ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش را برای ۱۲۰ شرکت عضو نمونه، طی ۷ سال، نشان می‌دهد. نزدیک بودن میانگین و میانه متغیرها نشان از نرمال بودن داده‌ها دارد. انحراف معیار، میزان پراکندگی داده‌ها را نمایان می‌سازد. همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشتر متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال نسبی برخوردارند. وجود ضریب چولگی مثبت نشان‌دهنده چولگی به راست و این چولگی به راست به دلیل بزرگ بودن میانگین نسبت به میانه است و چولگی‌های منفی نشان‌دهنده چولگی به چپ

است. کشیدگی بالاتر از نرمال برخی متغیرها نشان‌دهنده این است که داده‌ها حول میانگین متمرکز شده‌اند. در جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شرح داده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	نماد	مشاهده	میانگین	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
گزارشگری یکپارچه	IRSCORE	۸۴۰	۰/۷۰	۰/۳۱	۰/۹۳	۰/۱۶	-۰/۴۶	۲/۳۳
ارزش شرکت	TOBINQ	۸۴۰	۱/۲۰	۰/۴۸	۲/۵۵	۰/۵۰	۰/۹۲	۳/۱۲
ارزش افزوده نقدی	CVA	۸۴۰	۰/۰۰۳	-۰/۱۵	۰/۲۲	۰/۰۸	۰/۵۳۶	۲/۸۸
ارزش افزوده سهامدار	SVA	۸۴۰	۰/۲۰۳	۰/۰۰۳	۰/۹۵۲	۰/۲۲۸	۱/۴۷۱	۴/۳۴۴
ارزش افزوده بازار	MVA	۸۴۰	۰/۱۵۲	-۰/۲۸	۰/۴۴	۰/۱۳	-۰/۳۳	۳/۶۰
ارزش افزوده اقتصادی	EVA	۸۴۰	-۰/۰۰۵	-۱/۰۲	۰/۷۴۷	۰/۳۸۸	-۰/۴۰۶	۲/۸۲۳

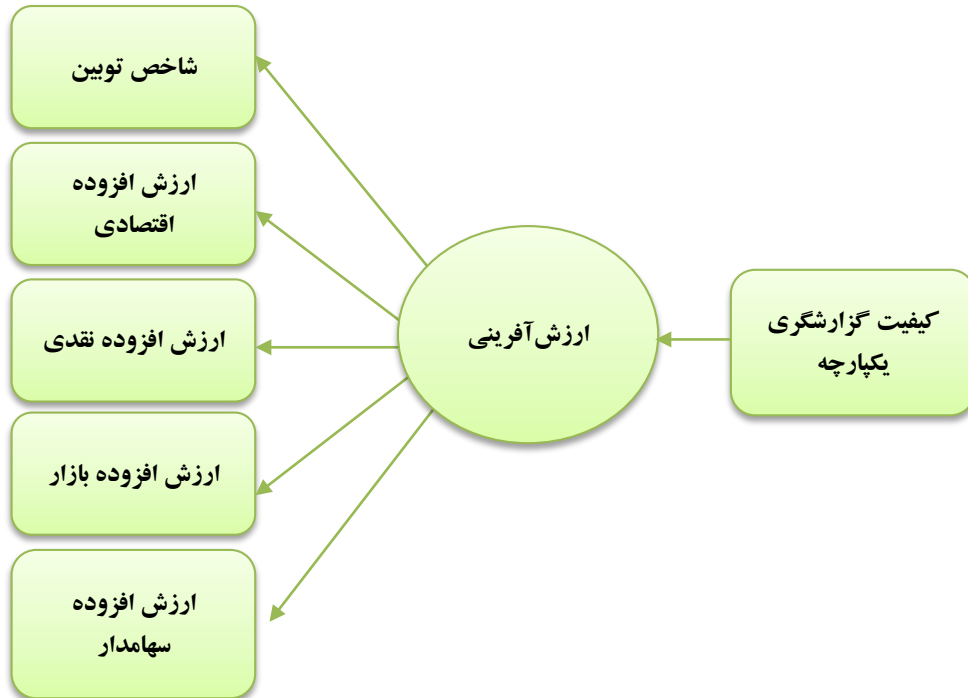
منبع: محاسبات پژوهشگر

یافته‌های فرضیه پژوهش

از آنجایی که گزارشگری یکپارچه باعث افزایش مولفه های ارزش‌آفرینی در شرکت می‌شود، رویکرد یکپارچه افشاری اختیاری برای استفاده کنندگان صورت های مالی ایجاد می‌کند و منجر به شفافیت اطلاعات صورت های مالی و منجر به جذب سرمایه گذاران می‌شود.

الگوی مفهومی پژوهش

چارچوب الگوی مفهومی پژوهش حاضر در شکل ۲ بر اساس رویکرد الگوی سازی معادلات ساختاری نشان داده شده است.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

در این الگو متغیر اثر بخشی ارزش آفرینی (به عنوان متغیر پنهان) دارای چندین سازه (شاخص توبین، ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده نقدی، ارزش افزوده بازار، ارزش افزوده سهامدار) است.

اعتبار سنجی الگوی مفهومی پژوهش

آزمون بارتلت و کایز-میر-اوکین

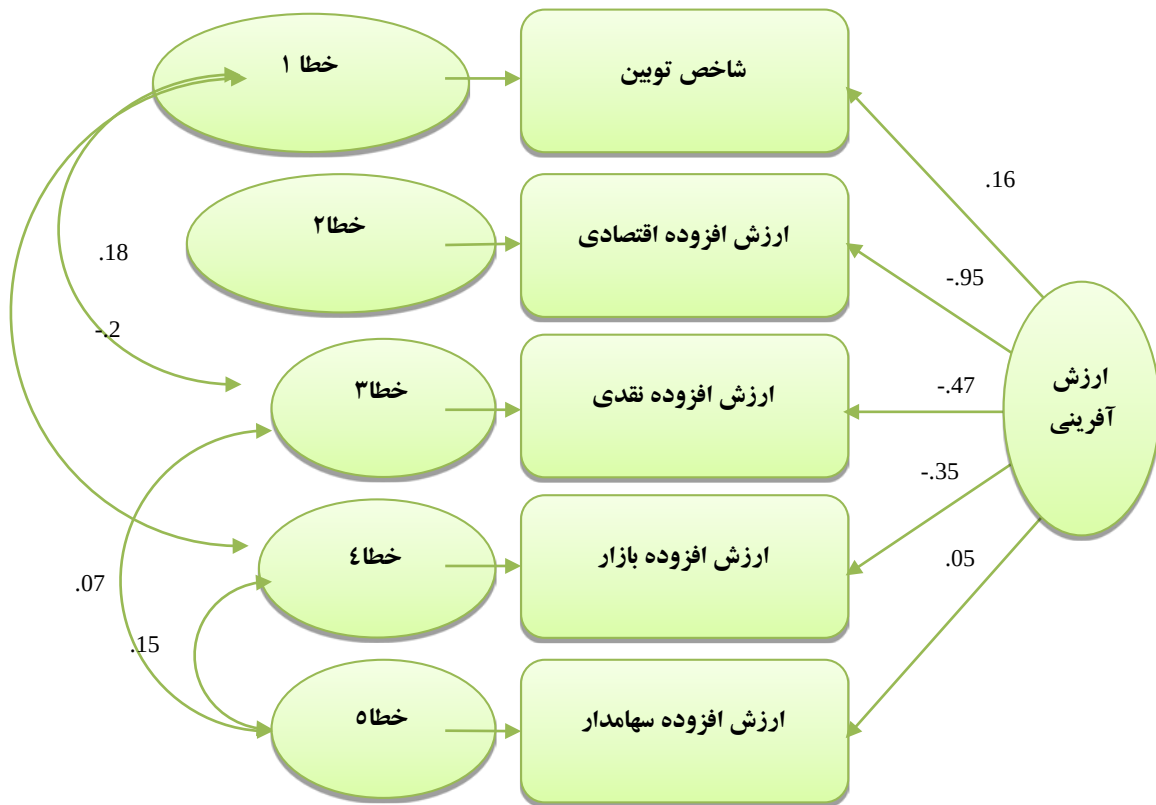
این آزمون مناسب بودن داده‌ها را برای انجام تحلیل عاملی مشخص می‌کند. مقدار این آماره بین ۱ تا ۰ تغییر می‌کند. جدول ۲ نتایج آزمون بارتلت و کایز-میر-اوکین را نشان می‌دهد.

لازمه انجام تحلیل عاملی این است که همبستگی میان متغیرها صفر نباشد، ولی اگر ماتریس همبستگی ماتریس همانی باشد به این معنی است که همه ضرایب همبستگی صفر هستند. اگر آزمون بارتلت معنی دار باشد یعنی ماتریس همبستگی همانی نیست و میان متغیرها همبستگی وجود دارد و امکان انجام تحلیل عاملی وجود دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون بارتلت و کایز-میر-اوکین پژوهش

کایز-میر-اوکین	آماره
آماره آزمون	۰/۷۰۴
آزمون کورویت بارتلت	۱۵۷۴/۳۰۷
درجه آزادی	۱۵
نتیجه آزمون	<۰/۰۰۰

پس از تعیین الگوی مفهومی پژوهش و گردآوری داده ها، مهم ترین مرحله الگو سازی، اعتبارسنجی الگوی اندازه گیری است. در این بخش، پژوهش گر به دنبال جواب این پرسش است که آیا الگوی مفهومی، داده های پژوهش را نمایندگی می کند؟ اعتبار یک الگو با استفاده از معیارهای نیکویی برازش مورد بررسی قرار می گیرد. بنابراین، در این مرحله از تحلیل های آماری انتظار بر این است که برازش داده ها به الگوی مفهومی پژوهش بر اساس معیارهای علمی قابل قبول باشد. شکل ۲ و شکل ۳ و جدول ۴ و جدول ۵ به ترتیب الگوی اصلاح شده برای اندازه گیری ارزش آفرینی و شاخص های برازش مربوط به آن را نشان می دهد. معیارهای نیکویی برازش ارائه شده در جدول ۴ بیان می کند که الگوی اندازه گیری ارزش آفرینی از اعتبار کافی برای آزمون فرضیه های پژوهش برخوردار است.



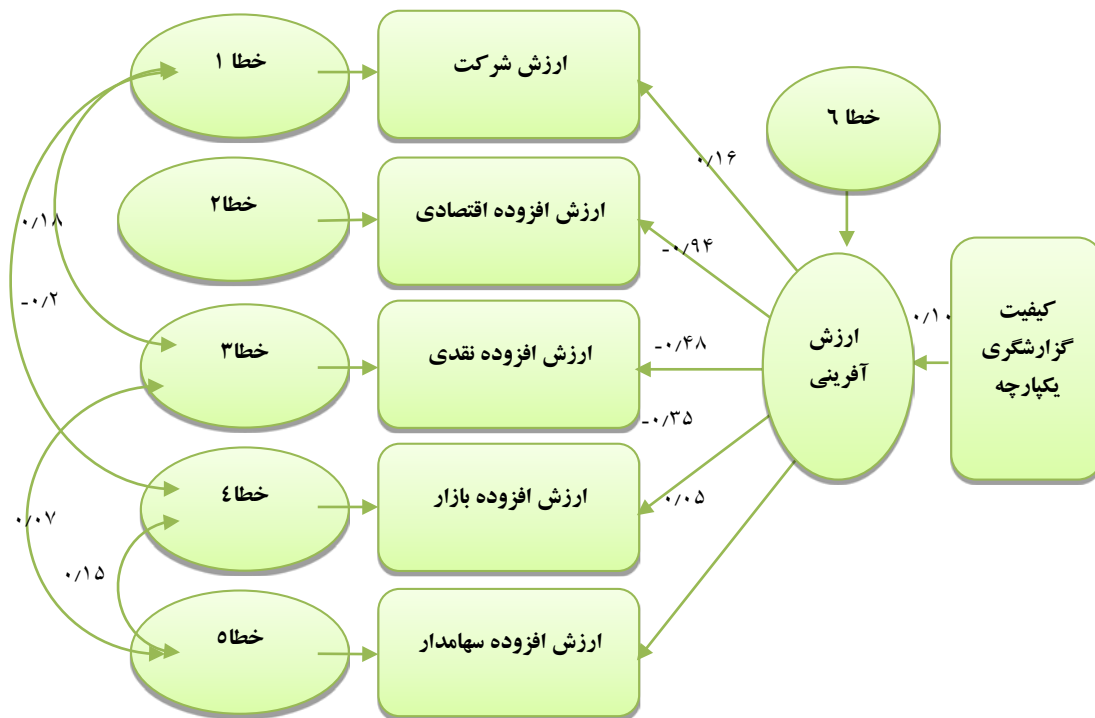
شکل ۲. الگوی اندازه گیری اصلاح شده ارزش آفرینی

جدول ۳. معیارهای نیکویی برازش برای الگوی اندازه گیری اصلاح شده ارزش آفرینی

معیارهای نیکویی برازش	نام شاخص	اختصار	مدل اصلاح شده	برازش مورد پذیرش
شاخص های برازش مطلق	شاخص نكویی برازش	GFI	۰/۹۹۹	بزرگتر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش اصلاح شده	AGFI	۰/۹۹۱	بزرگتر از ۹۰ درصد
شاخص های برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۹۷	بزرگتر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۹۹	بزرگتر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش افزایشی	IFI	۰/۹۹۹	بزرگتر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	۰/۱۰۰	بزرگتر از ۹۰ درصد
شاخص برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۲۴	کوچکتر از ۱۰ درصد
	کلی اسکور بهنجار شده به درجه آزادی	CMIN/DF	۱/۶۴۲	کوچکتر از ۳
سایر شاخص های برازش	شاخص هلتر (۰,۰۵)	Hoelter	۲۶۴۲	بیشتر از ۲۰۰

اعتبار سنجی کلی الگوی اندازه گیری

در مرحله ارزیابی الگوی ساختاری و هنگام بررسی روابط بین متغیرهای پنهان، بارکنش‌های الگوی اندازه گیری دوباره برآورد می‌شود. چنانچه مقادیر بارکنش‌ها در دو الگو، تفاوت آشکاری با یکدیگر داشته باشند، بیانگر وضعیت درماندگی در گزارش است. در الگوی ساختاری، فرضیه پژوهش آزمون می‌شود. شاخص‌های برازش الگوی ساختاری مربوط به آزمون فرضیه پژوهش در جدول، بیانگر برازش قابل قبول الگوی ساختاری و مواجه نشدن با پدیده درماندگی در تفسیر است.



شکل ۳. الگوی اندازه گیری ارزش آفرینی

جدول ۴. معیارهای تکویی برازش برای مدل کلی

معیارهای تکویی برازش	نام شاخص	اختصار	مدل اصلاح شده	برآزش مورد پذیرش
شاخص های برازش مطلق	شاخص تکویی برازش	GFI	۰/۹۹۸	بزرگتر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش اصلاح شده	AGFI	۰/۹۹۲	بزرگتر از ۹۰ درصد
شاخص های برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۹۰	بزرگتر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۹۸	بزرگتر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش افزایشی	IFI	۰/۹۹۸	بزرگتر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	۰/۳۳۰	بزرگتر از ۹۰ درصد
شاخص برازش مقصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۱۴	کوچکتر از ۱۰ درصد
	کای اسکوتر بهنجار شده به درجه آزادی	CMIN/DF	۱/۲۱۸	کوچکتر از ۳
سایر شاخص های برازش	شاخص هلر (۰,۰۵)	Hoelter	۲۰۵۲	بیشتر از ۲۰۰

پس از بدست آمدن اطمینان از نیکویی برازش الگوی ساختاری و وجود نداشتن تفاوت قابل توجه میان معیارهای نیکویی برازش در الگوی اندازه گیری و ساختاری پژوهش، نوبت به بررسی فرضیه پژوهش (تفسیر ضرایب برآورد بین متغیرهای پنهان و متغیر مشاهده پذیر) می‌رسد که اثر هریک از شاخص های ارزش آفرینی را بر گزارشگری یکپارچه مورد آزمون قرار گرفت. هر مسیر از طریق بررسی علامت، اندازه و معناداری آماری ضریب مسیر (بتا) هر متغیر مکنون نسبت به متغیر وابسته است. هر اندازه این ضریب مسیر بالاتر باشد تاثیر پیش بینی کننده متغیر مکنون بیشتر خواهد بود. به منظور بررسی معناداری ضریب مسیر یا همان بتا باید معناداری مقدار t برای هر ضریب مسیر مورد توجه قرار گیرد که در جدول ۵ نتایج آزمون های پژوهش به همراه آماره های مربوط به آن ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش	روابط بین متغیرها	ضریب مسیر	آماره t	سطح معناداری
	رابطه بین گزارشگری یکپارچه و مولفه های ارزش آفرینی	۰/۰۰۹	۲/۴۶۴	۰/۰۱۴

همانطور که در جدول ۵ ملاحظه می شود، ضریب مسیر گزارشگری یکپارچه با ارزش آفرینی مثبت بوده (۰/۰۰۹) و سطح معناداری آنها کمتر از ۵ درصد است (۰/۰۱۴). بنابراین، می توان ادعا کرد که گزارشگری یکپارچه بر ارزش آفرینی شرکت، تاثیر مستقیم و معناداری دارد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

نتایج فرضیه پژوهش

در این فرضیه رابطه میان گزارشگری یکپارچه و مولفه های ارزش آفرینی مورد بررسی قرار گرفت. تفکر یکپارچه به معنای اطمینان از پایداری درازمدت سازمان به وسیله ایجاد ارزش پایدار برای ذی نفعان است. این تفکر با در نظر گرفتن تمامی عوامل مؤثر بر الگوی کسب و کار و انجام قضاوت صحیح در مدیریت این سرمایه ها، به ارزش آفرینی در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت منجر می شود. تفکر یکپارچه ابزاری است که با یکپارچه سازی تمامی این عوامل، امکان ارزش آفرینی را فراهم می کند. با این نوع تفکر، سازمان ممکن است چگونگی ایجاد ارزش را به شکلی واضح در گزارشی یکپارچه توصیف کند، بهبود گزارشگری به نحوی که تمام عوامل اثر بخش بر توانایی ارزش آفرینی سازمان را دربر گیرد. افزایش حساب دهی و پاسخ گویی هیئت مدیره نسبت به سرمایه های مالی، فکری، انسانی، اجتماعی و طبیعی، و بالابردن درک افراد از وابستگی متقابل میان این سرمایه ها و حمایت از تفکر یکپارچه و تصمیم ها و اقدام هایی که بر ارزش آفرینی در طول افق زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت متمرکز است. نتایج فرضیه این پژوهش با پژوهش های دوو و همکاران (۲۰۱۹)، براث و همکاران (۲۰۱۷)، ستایش و مهتری (۱۳۹۸) و رضایی و همکاران (۱۳۹۸) همخوانی دارد. نخستین مطلب برای جذب سرمایه گذار برون مرزی، ارائه اطلاعات قابل فهم و در دسترس است، بنابراین وجود استانداردهای یکسان در گزارشگری مالی الزام آور است. در این راستا تمام کشورهای دنیا به اجماع رسیده اند که از استانداردهای

بین‌المللی گزارشگری مالی استفاده کنند. پیشنهاد می‌شود تا ایران نیز همانند بسیاری از کشورها، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بپذیرد چراکه این امر موجب ورود سرمایه به کشور و در نتیجه بهبود وضعیت نظام اقتصادی و بازارهای مالی می‌شود از سوی دیگر، نپذیرفتن استانداردهای بین‌المللی می‌تواند مخاطرات جدی برای تجارت بین‌المللی، جذب سرمایه خارجی و افزایش ریسک کشور داشته باشد.

مطابق با نتایج بدست آمده، رابطه مثبت میان گزارش‌دهی یکپارچه و ارزش آفرینی در شرکت‌ها نشان می‌دهد گزارش‌دهی یکپارچه، محیط اطلاعاتی در شرکت‌های پیچیده را مانند شرکت‌های با دارایی‌های ناملموس بالا، شرکت‌های با بخش‌های تجاری متعدد و شرکت‌های بزرگ بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که در شرکت‌های با نیازهای تامین مالی خارجی بالاتر، زیر نمونه شرکت‌های با گزارش‌دهی یکپارچه بالاتر، ارزش‌گذاری شرکت بالاتری دارند، که نشان می‌دهد گزارش‌دهی یکپارچه نبود تقارن اطلاعات میان افراد داخلی شرکت و تهیه کنندگان سرمایه خارجی را کاهش می‌دهد. تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که شرکت‌های با گزارش‌دهی یکپارچه، عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های با گزارش‌دهی یکپارچه کم هم برحسب بازار سهام و هم عملکرد حسابداری دارند. هدف اصلی یک گزارش یکپارچه این است که به تهیه کنندگان سرمایه مالی توضیح دهد چگونه سازمان طی زمان ارزش آفرینی می‌کند. بنابراین شامل اطلاعات مربوطه، مهم مالی و همینطور دیگر موارد است. یک گزارش یکپارچه به همه سهام‌داران علاقمند به توانایی سازمان برای ارزش آفرینی در زمان منفعت می‌رساند، شامل کارکنان، مشتریان، تهیه کنندگان، شرکای تجاری، جوامع محلی، قانونگذاران، تنظیم کنندگان و سیاست‌گذاران یک گزارش یکپارچه معمولاً چیزی بیش از خلاصه‌ای اطلاعات در مکاتبات دیگر است (مانند، اظهارات مالی، یک گزارش پایدار، فراخوان‌های تحلیلگر، یا در وب سایت). در عوض، ارتباط اطلاعاتی را آشکار می‌سازد تا اطلاع دهد که چگونه ارزش آفرینی طی زمان انجام می‌شود.

با توجه به تدوین چارچوب مربوط به کلیات مبانی نظری گزارشگری یکپارچه و بدیع و تازه بودن این مفهوم، به پژوهشگران حوزه حسابداری و مالی پیشنهاد می‌شود تا در حوزه آموزش و دانش مرتبط با گزارشگری یکپارچه توجه جدی به آموزش این مباحث در دانشگاه‌ها داشته باشند و به تحلیل مبانی نظری این نوع گزارشگری بپردازند. همچنین با توجه به اینکه اصول بنیادین در بررسی کلیات مبانی نظری بررسی نشده‌اند، به همه پژوهشگران پیشنهاد می‌شود

تا پژوهش‌هایی با هدف یافتن اصول بنیادین برای گزارش‌های مالی و غیرمالی (در قالب گزارشگری یکپارچه) انجام دهند. در ضمن به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سازمان حسابرسی که ارائه‌کننده رهنمودها، تدوین‌کننده مقررات گزارشگری مالی و غیرمالی هستند، پیشنهاد می‌شود تا به بررسی جامع این نوع گزارشگری و تدوین استاندارد با رویکرد یکپارچه اقدام کنند.

منابع

- امیریکی لنگرودی، حبیب؛ کردستانی، غلامرضا؛ رضایی، فرزین. (۱۳۹۹). الگوی یکپارچه حسابداری مدیریت توسعه پایدار. *حسابداری مدیریت*، ۱۳(۴۴)، ۲۱-۱.
- بابادی، کامران؛ فخاری، حسین (۱۳۹۷). بررسی تجربه تاثیر ساختار مالکیت بر میزان افشای اطلاعات گزارشگری یکپارچه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران؛ رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، *حسابداری و حسابرسی پویا*.
- ستایش، محمد حسین؛ مهتری، زینب. (۱۳۹۸). الگویی برای ارائه اطلاعات شرکت های ایرانی در قالب گزارشگری یکپارچه، *مجله پیشرفت های حسابداری*، دوره یازدهم، شماره اول، صص ۱۴۲-۱۰۵.
- سرهنگی، حجت؛ ابراهیمی، اله؛ یاری ابهری، حمید. (۱۳۹۳). بررسی اثر پیچیدگی گزارشگری مالی بر رفتار معاملاتی سرمایه گذاران، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۳۷، سال هفتم، صص ۷۸-۵۹.
- شفیع زاده، بهاره؛ حسینی، سید علی؛ رحمانی، علی؛ سلطانی، محمد. (۱۳۹۷). نقش گزارشگری مالی، شفافیت و راهبری شرکتی در حمایت از حقوق سرمایه گذاران، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۴۲، صص ۹۵-۷۴.
- صفری گرایلی، مهدی؛ رضایی پشته نوئی، یاسر. (۱۳۹۸). گزارشگری یکپارچه، ابزاری نوین برای تحول گزارشگری شرکت‌ها، *هفدهمین همایش ملی حسابداری ایران*.
- حصارزاده، رضا. (۱۳۹۴). یکپارچه‌سازی نظام‌مند مفاهیم و مدل‌سازی بصری گزارشگری مالی در بخش عمومی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۴(۱۵)، ۵۶-۳۷.
- حساس یگانه، یحیی؛ رحیمیان، نظام الدین؛ توکل نیا، اسماعیل. (۱۳۹۳). بررسی ارزش آفرینی گزارشگری سرمایه انسانی، *فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مدیریت*، سال هفتم، شماره بیستم، صص ۵۲-۳۲.
- جعفری، اسکندر؛ احمد پور کاسگری، احمد. (۱۳۹۴). تاثیر ضریب ارزش افزوده فکری و عناصر آن بر بازده سرمایه گذاری در سهام و کاربرد آن در گزارشگری مالی (شرکت های صنایع غذایی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۳۰، سال هشتم، صص ۱۲۹-۱۴۵.

دستگیر، محسن؛ ایزدی نیا، ناصر. (۱۳۹۳). ارتباط و همبستگی شاخص های داخلی ارزش آفرینی واحد های تجاری با شاخص های خارجی ارزیابی عملکرد، *فصلنامه مطالعات حسابداری*، شماره ۵، صص ۴۵-۶۲.

رضایی، شعیب. (۱۳۹۷). شفافیت، پاسخگویی در بخش عمومی و چارچوب گزارشگری یکپارچه، *فصلنامه علم و مدیریت توسعه*، سال سوم، شماره ۶، صص ۲۵-۴۹.

رضایی، فرزین؛ ترابیان، محسن و محتاری، فرشته. (۱۳۹۸). ارتباط ارزش اطلاعات حسابداری در رویکرد گزارشگری یکپارچه، *فصلنامه ستاک*، سال پنجم، شماره ۳، صص ۳۶-۵۹.

رود نشین، حمید. (۱۳۸۴). «بررسی و تبیین رابطه بین اجزای نقدی و تعهدی سود حسابداری و ارزش شرکت». *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه امام خمینی (ره).

فخاری، حسین و بابادی، کامران. (۱۳۹۵). گزارشگری یکپارچه، گزارشگری آینده؛ مطالعه موردی گروه دارویی. *چهاردهمین همایش ملی حسابداری ایران*، ارومیه، دانشگاه ارومیه.

مرشدزاده، مهناز و قربانی، محمود. (۱۳۹۵). چارچوب بین المللی گزارشگری یکپارچه، *حسابدار رسمی*، شماره ۳۲، صص ۲۵-۳۶.

نیکومرام، هاشم؛ بنی مهد، بهمن. (۱۳۸۸). جهانی سازی استانداردهای حسابداری، *بایدها و نبایدها، مجله حسابداری*، سال ۲۱، شماره ۱۷۸، صص ۱۲-۳۶.

Adamez, K.E. and Forset (2012), Invisible Balance Sheet: Key Indicators for Accounting, Control and Valuation of Know-how Companies, the Konrad Group, Stockholm.

Berath ToitElda, Elda du Toit. (2017). the readability of integrated reports. *Meditari Accountancy Research* 25:4, 629-653.

D.V. Ramana., (2010), Market value added and Economic value added: some empirical evidence. Working paper, available ssrn website.

Doweoo, N. and J. Locke. (2019). the Emergence of IR. *Accounting and Business Research*, Vol. 46, No. 1, Pp83-115.

Estefan, L., Eckersley, P. & Zakaria, Z. (2010) "Accountability and transparency in English local government: Moving from 'matching parts' to 'awkward couple?'," *Financial Accountability and 16-Management*, vol. 31, no. 3.

Ekles, F. A. and M. Kezros. (2014). Factors affecting the Diffusion of Integrated Reporting—a UK FTSE 100 Perspective. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, Vol. 6, No. 2, Pp. 190-223.

Feransic, J. (2013) "Pathologies of accountability and the challenge of multiple accountabilitydisorder", *Public Administration Review*, vol. 65, no. 1.

- Fradis HajiAbdifatah, Abdifatah Ahmed Haji, AnifowoseMutalib, Mutalib Anifowose. (2016). Initial trends in corporate disclosures following the introduction of integrated reporting practice in South Africa. *Journal of Intellectual Capital*, 18:2, 373-399.
- IIRC (2013), "International oIRW framework", The International Integrated Reporting Council, available at: www.theiirc.org/wp-content/uploads/2013/12/13-12-08-.
- Eslakal, M.C., Watson, J. & Woodliff, D. (2018) "Corporate governance quality and CSR disclosures", *Journal of Business Ethics*, no.125. Chauvey, J.N., Giordano-Spring.
- Robert, C.H. and Lak (2016) "The normativity and legitimacy of CSR disclosure: Evidence from France", *Journal of Business Ethics*, no. 130.12 9.
- Pestoni J., Michael J. Turner, CooteLeonard V., Leonard V. Coote.(2019) Discrete choice experiments: a research agenda for experimental accounting. *Meditari Accountancy Research*, 25:1,158-182.
- Petrson, F., K. (2016). Effective audit committee, audit quality and earnings management: Evidence from Tunisia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 2(6), 138-155.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 license.